



The Role of Religious Solidarity and Justice Implementation Based on Love for the Ahl al-Bayt (pbut) in Creating and Expanding Civilization

Fathollah Najarzadegan¹, Seyyed Mohammad Mousavi Moghaddam^{2✉},
Zohreh Najafi Hayeri³, Zahra Aliyari⁴

1. Professor at College of Farabi, University of Tehran, Iran. Email: najarzadegan@ut.ac.ir
2. Corresponding Author, Associate Professor at College of Farabi, University of Tehran, Iran. Email: sm.mmoqaddam@ut.ac.ir
3. Master's Student in Quran and Hadith Sciences, College of Farabi, University of Tehran, Iran. Email: z.n2020138@gmail.com
4. Master's Student in Quran and Hadith Sciences, College of Farabi, University of Tehran, Iran. Email: zaliyari88@gmail.com

Article Info

Article type:

Review Article

Article history:

Received: 23 October 2024

Accepted: 25 January 2025

Keywords:

Justice, Social Solidarity, Love for the Ahl al-Bayt (pbut), Obedience to the Ahl al-Bayt (AS), Justice Implementation.



ABSTRACT

If we consider civilization to be based on three pillars: justice, social solidarity, and knowledge and wisdom, then we can understand Islamic civilization using these components through a descriptive-analytical method, utilizing Quranic teachings and the lessons of the Infallibles (pbut). However, analyzing all three components comprehensively is not feasible in this study; therefore, we will focus on examining the two pillars of justice and social solidarity based on love for the Ahl al-Bayt (pbut) in detail. This approach, which involves social solidarity based on love for the Ahl al-Bayt (pbut), is both possible and highly effective. The goal of examining civilization through the lens of love is to express the impact of love on the characteristics of civilization, particularly the significant role of social solidarity. Consequently, love for the Ahl al-Bayt (pbut) fosters unity and empathy among people, gathering them under one banner.

Cite this article: Najarzadegan, F.; Mousavi Moghaddam, S., M.; Najafi Hayeri, Z.; Aliyari, Z. (2024). The Role of Religious Solidarity and Justice Implementation Based on Love for the Ahl al-Bayt (pbut) in Creating and Expanding Civilization. *Islamic Social Studies*, 30 (130) , 141-159.



<https://doi.org/10.30513/iss.2025.6460.1376>

© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



نقش همبستگی دینی و عدالت‌ورزی بر پایه مودت اهل بیت (ع) در ایجاد و گسترش تمدن

فتح‌الله نجارزادگان^۱ | سید محمد موسوی مقدم^۲ | زهره نجفی حایری^۳ | زهرا علی‌یاری^۴

۱. استاد، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: najarzadegan@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، دانشیار، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: sm.mmoqaddam@ut.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: z.n2020138@gmail.com

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: zaliyari88@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

اگر تمدن را بر سه پایه عدالت‌ورزی، همبستگی اجتماعی و دانش و خردورزی بدانیم، می‌توانیم با این سه مؤلفه به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از معارف قرآن و آموزه‌های حضرات معصومین (ع)، اندیشه تمدن اسلامی را بشناسیم و سپس راهکارهای اجرایی این سه مؤلفه را عرضه و الگوی کاملی از این اندیشه را ترسیم نماییم. بدیهی است که تحلیل و بررسی همه‌جانبه این سه مؤلفه در این پژوهش نمی‌گنجد؛ لذا ناگزیر به بررسی دو پایه عدالت‌ورزی و همبستگی اجتماعی بر پایه مودت به اهل بیت (ع) به تفصیل خواهیم پرداخت. این راهکار یعنی همبستگی اجتماعی بر پایه مودت به اهل بیت (ع) امکان‌پذیر و بسی کارآمد است. هدف از بررسی موضوع تمدن از دریچه مودت، بیان تأثیر مودت بر شاخصه‌های تمدن، به‌ویژه نقش پررنگ همبستگی اجتماعی است؛ در نتیجه، مودت به اهل بیت (ع) باعث یکرنگی و همدلی میان مردم شده و آن‌ها را ذیل یک پرچم جمع می‌کند.

نوع مقاله: ترویجی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۶

کلیدواژه‌ها:

عدالت، همبستگی اجتماعی، مودت به اهل بیت (ع)، اطاعت از اهل بیت (ع)، عدالت‌ورزی.



استناد: نجارزادگان، فتح‌الله؛ موسوی مقدم، سید محمد؛ نجفی حایری، زهره؛ علی‌یاری، زهرا. (۱۴۰۳). نقش همبستگی دینی و عدالت‌ورزی بر پایه مودت اهل بیت (ع) در ایجاد و گسترش تمدن. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۳۰ (۱۳۰)، ۱۴۱-۱۵۹.

<https://doi.org/10.30513/iss.2025.6460.1376>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

۱. طرح مسئله

قرآن همهٔ مسلمانان و پیروان خود را به اعتصام و وحدت و پرهیز از تفرقه فرا می‌خواند: ﴿وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران/۱۰۳)؛ بنابراین، اتحاد و انسجام امت اسلامی یک ضرورت و دستور قرآن و تفرقه، یک عمل ناصواب و زیان‌بار از نظر دین و عقل است. اما نقش اهل‌بیت(ع) در ایجاد و گسترش عدالت اجتماعی چیست؟

تقویت دینداری مردم نیازمند ابزاری است که یکی از مهم‌ترین آنها، مودّت به اهل‌بیت(ع) است. از آنجا که اهل‌بیت(ع) حائز مقام عصمت هستند و قول، فعل و تقریر ایشان معصومانه است، الگوی کامل دینداری می‌باشند؛ بنابراین، محبّ آنان نیز تلاش می‌کند خود را به صفات آنان بیاراید و دینداری آنان را سرمشق زندگی مؤمنانهٔ خود قرار دهد. تبعیت و پیروی از اهل‌بیت(ع) در واقع همان پیروی از فرامین دین است. (زارعی رضایی، هل‌اتایی، ۱۳۹۸، ص ۱) همبستگی و الفت از جمله ارزش‌های والای اخلاقی هستند که در رشد و تعالی معنوی فرد و جامعه نقشی بی‌همتا، و جایگاه ویژه‌ای در میان دیگر ارزش‌ها و سازه‌های معنوی دارند و خود پایه و بستری برای دیگر ارزش‌ها قرار می‌گیرند. در این میان، آنچه می‌تواند کاربست درست ارزش‌های یادشده و پیوند میان این راه را برای انسان سهل و شتابان کند و ضمانتی برای دستیابی وی به رشد و کمال معنوی باشد، پیوند همبستگی و الفت با مودّت ذی‌القربی است. در پرتو محبت اهل‌بیت(ع) و به کار بستن سخنان زیبای آنان، جامعه‌ای سرشار از امنیت، صلح و صفا، و مهرورزی همراه با عدالت اجتماعی خواهیم داشت (حر، ۱۳۹۳، ش ۲۶، ص ۱).

بنابراین، هر کس در کاربست ارزش‌های اخلاقی مانند همبستگی و الفت، مودّت ذی‌القربی را همراه سازد، بی‌گمان راه رشد معنوی را به آسانی و چالاکی بیشتری پیموده و تعالی معنوی او تضمین خواهد بود. ازاین‌رو، بایسته است پیوند میان همبستگی و الفت ذی‌القربی مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته و کارایی آن در ایجاد و گسترش عدالت اجتماعی تبیین گردد. لذا هنگامی که همبستگی و وحدت زیر سایهٔ مودّت اهل‌بیت(ع) رقم خورد، نیاز به عدالت در میان جماعت به وضوح دیده می‌شود. مودّت هم در

همبستگی و هم در عدالت‌ورزی نقشی بسزا ایفا می‌کند. اهل‌بیت(ع) نقشی الگویی داشته و پیروان ایشان سیره و سخنان این بزرگواران را اطاعت و در مسیر کمال رعایت می‌کنند. به واسطه آن علاقه و مودّت، محبّ تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا خود را شبیه به محبوب و رضایت وی را جلب کند؛ بدین ترتیب، دو مؤلفه مهم تمدن (همبستگی و عدالت) رقم می‌خورد و ما را هرچه بیشتر به تمدن عالی نزدیک می‌کند. بر همین اساس، این نوشتار بر خود بایسته دانسته نگاهی هرچند اندک به این پرسمان افکند که نقش همبستگی دینی بر پایه مودّت به اهل‌بیت(ع) در ایجاد و گسترش عدالت اجتماعی چیست؟

۲. تبیین مؤلفه عدالت

«الْعَدَالَةُ» و «المُعَادَلَةُ» الفاضلی هستند که در حکم و معنی مساوات‌اند و به اعتبار نزدیک بودن عدل به مساوات در آن مورد هم به کار می‌روند. «عَدْلٌ» در چیزهایی که با بصیرت و آگاهی درک می‌شود، به کار می‌رود؛ مثل احکام و عَدْل و «عدیل» در چیزهایی است که با حواس درک می‌شوند؛ مثل اوزان، اعداد و پیمانه‌ها (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۲۵).

در تعریف «عدالت» این گونه آمده است: «نفی هرگونه تبعیض، رعایت حقوق دیگران، موزون بودن و رعایت استحقاق‌ها» (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۷۸).

عدالت مفهومی ارزشی و از جمله آرزوهای همیشگی انسان‌ها در طول تاریخ، و در زمره مطالبات اساسی زندگی فردی و اجتماعی هر انسانی است. به‌درستی، واژه عدالت را می‌توان اصل اخلاقی مشترک در همه فرهنگ‌ها دانست که عام و جهانی و البته فراتاریخی است، و به تحقیق، می‌توان اذعان داشت که پیروان همه ادیان بر آن توافق دارند. عدالت اجتماعی به معنای رعایت تناسب، استحقاق‌ها و شایستگی‌ها در ساحت اجتماع است. در این تعریف، هر گروه و صنف و طبقه‌ای باید در جایگاه شایسته خویش جای گیرد و در پی جایگاه دیگران برنیاید. عدالت اجتماعی مبتنی بر احوال و افعال اعضای جامعه است و مرتبت هر کس بنابر استحقاق و استعداد او تعیین می‌شود (بیات، ۱۳۸۶، ص ۳۷۶).

عدالت اجتماعی یعنی با هر یک از افراد جامعه به گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است. به عبارت دیگر، هر فرد بر اساس کار، امکانات فکری و ذهنی و جسمی بتواند از موقعیت‌های مناسب و نعمات برخوردار شود. همچنین، عدالت اجتماعی یعنی کاربرد مفهوم عدل توزیعی نسبت به ثروت، دارایی، امتیازات و مزیت‌هایی که در یک جامعه انباشته شده است (آقابخشی، ۱۳۷۴، ص ۳۱۷).

از نگاه شهید مطهری، عدالت اجتماعی مفهومی معنادار و حقیقی بوده و معناداری آن به حقیقی بودن مفهوم اجتماع وابسته است. عدالت اجتماعی عبارت است از: برقراری همزمان حقوق اجتماع و حقوق فرد و در صورت تعارض این دو، اولویت داشتن حقوق اجتماع، اثبات حقوق اجتماع و اولویت آن بر حقوق فردی (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۲۲۱).

نگاهی گذرا به آموزه‌های عدالت‌محور قرآنی می‌تواند جایگاه آن را در ردیف توحید بنمایاند؛ بدین معنا که عدالت همانند توحید در همه اصول و فروع احکام دینی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی در ابعاد فردی و جمعی جریان دارد (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۶۱) و همچنان که اسلام از توحید جدایی ناپذیر است، بدون عدالت نیز زنده نیست.

در قرآن کریم بنیان اصل معاد و حیات اخروی، برپایی عدالت است (انبیاء/۴۶)؛ چنانکه فلسفه دین و قوانین آن هم برپایی عدالت در میان انسان‌هاست که از سوی خداوند تشریح شده است (حدید/۲۵). عدالت‌ورزی و عدالت‌گستری از مسئولیت‌های فردی و اجتماعی انسان مسلمان و از شرایط اصلی پذیرش منصب‌ها در نظام اسلامی است (نساء/۵۸، ۱۳۵). این اصل چنان اهمیت دارد که هم در برابر ستمگری دیگران نباید رنگ ببازد (مائده/۸) و هم شامل خود انسان، خانواده و خویشاوندانش شود (مائده/۸، نساء/۱۳۵). تنها معیار ستایش جوامع انسانی پس از ایمان به خدا، عدالت‌ورزی در آن‌هاست (اعراف/۱۸۱) و وانهادن آن، مهم‌ترین عامل انحطاط جوامع انسانی در تاریخ شمرده شده است (یونس/۱۳، حج/۴۵).

بخش مهم و اثرگذار پدیده عدالت در جامعه، افزون بر قوانین و مقررات عادلانه، پابندی به آن در مقام اجرا در جامعه است؛ زیرا مدعیان عدالت‌گستری در جوامع بشری کم نبوده‌اند و تاریخ از پابندان به آن بسیار اندک یاد کرده است. این حقیقت را امام

علی(ع) چنین مورد توجه قرار داده که عدالت، گویی در مقام سخن از قلمرویی گسترده برخوردار است، هرچند در مقام عمل قلمروی بسیار کوچکی می‌یابد. (شریف رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۲۲۴) درست به همین دلیل مهم، قرآن به صفت عدالت در مقام اجرای قوانین توجه کرده و آن را از شرایط رهبران جامعه در سطوح مختلف اجتماعی، قاضیان (مانده/۹۵، نساء/۵۸) و گواهان (طلاق/۲) قرار داده است؛ چرا که سنت خداوند این است که سمت‌ها و منصب‌ها را به ستمگران واگذار ننماید (بقره/۱۲۴) (باغستانی کوزه‌گر، ۱۳۹۵، ص ۱۱-۱۲).

آیات قرآن کریم نیز به جریان همیشگی و تعطیل‌ناپذیر لطف الهی در موضوع رهبری و امامت عدالت‌ورزی که خود از هر نوع ظلمی پیراسته است، در جامعه اشاره دارد؛ چنانکه آیه ۱۲۴ سوره بقره: ﴿وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا...﴾ دلالت دارد بر اینکه امامت لطفی الهی بر همه مردم و به صورت مطلق است؛ زیرا کلمه «لِلنَّاسِ» متعلق است به «جَاعِلُكَ» که به دائمی بودن امتنان و لطف خدا به جمیع انسان‌ها در هر زمان و مکانی اشاره دارد (بلاغی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۲۴؛ انصاریان، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۲۲۶). بنابر مفاد آیه یادشده، رهبری الهی به نیابت از پیامبر(ص) در امور دین و دنیا، لطفی الهی است که همواره باید در جامعه جریان داشته باشد، تا مردم از امام حاکم اطاعت کرده و او بتواند احکام الهی را اجرا و حق مظلوم را از ظالم ستانده و ستمگران را از ظلم و ستم بازدارد و مردم را به آنچه صلاح آنان است، راهنمایی کند و این دلیل است بر اینکه حکومت اسلامی امری مستمر است (نک: یوسفی مقدم، ۱۴۰۰، ص ۱۳۰).

به گواهی تاریخ، ورود امام علی(ع) به عرصه سیاست و پذیرش حکومت به مفهوم ریاست‌طلبی و سلطه‌جویی نبود؛ بلکه حکومت از این جهت نزد آن حضرت بسیار ناچیز است. امام علی(ع) خطاب به ابن عباس حکومت را از نعلین خود پست‌تر معرفی می‌کند، مگر اینکه با ابزار حکومت بتواند حقی را به پا داشته و مانع باطلی شود. (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۷۶) از نظر امام علی(ع)، حکومت، آن زمان دارای ارزش است که شخص حاکم و زمامدار به کمک این ابزار سیاسی - اجتماعی بتواند عدالت را برپا کند و با پیشگیری از باطل، احقاق حق نماید و کرامت انسانی را که در طول قرون و اعصار به وسیله قدرتمندان و ظالمان از بین رفته، به جوامع انسانی بازگرداند. این تصویری است که امام علی(ع) از حکومت ترسیم می‌کند، آن هم زمانی که خود زمامدار جهان اسلام

است. البته، تنها ارزشی که امام علی(ع) برای حکومت قائل است، زمانی است که حکومت وسیله‌ای برای اجرای عدالت، احیای ارزش‌های الهی و پاسداری از کرامت انسانی باشد (همان، ص ۳۴۷).

امام علی(ع) در سیاست و سبک و روش زمامداری به گونه‌ای عمل کرد که به راستی ترسیم عملی حاکمیت و سیاست اسلامی را متجلی ساخت؛ حاکمیتی که از ریاکاری و سیاست‌های فریب و نیرنگ معمول جهان به دور بوده و از محور حق و عدل به قدر یک سر مویی منحرف نگشت و مصلحت دین و مسلمانان را فدای سیاست‌بازی‌های مرسوم نکرد؛ چنان‌که فرمودند: «به خدا اگر جهان را با هر آنچه در آن است، به من بدهند که با گرفتن پاره‌ای جو از دهان موری، خدا را معصیت کنم، بدین خطا تن در نخواهم داد» (همان، ص ۳۴۷).

در تاریخ، انقلاب‌های زیادی در اقصی نقاط جهان برای عدالت‌خواهی و حذف طبقات اجتماعی صورت گرفته است که یکی از آنها «انقلاب اسلامی ایران» است. انقلاب اسلامی ایران علاوه بر گسترش عدالت اجتماعی، در زمینه‌های مختلفی پیشرفت‌های چشمگیری ایجاد کرده است؛ از جمله، در زمینه استقلال، گسترش برخورد‌های عمومی، عزت و اقتدار، پیشرفت‌های زیرساختی، پیشرفت صنعتی، پیشرفت در معنویت، کرامت زن، آزادی و مردم‌سالاری، موجبات پیشرفت را فراهم کرده است (ر.ک: راجی و خاتمی، ۱۳۹۷، ص ۱۱-۳۱۲).

شهید مطهری نیز عدالت اجتماعی را به‌عنوان یکی از ارکان سه‌گانه (عدالت اجتماعی، استقلال و آزادی، و معنویت) اصلی بقا و تداوم انقلاب اسلامی مطرح نموده، که این مسئله گویای اهمیت این امر در انقلاب اسلامی است. ایشان در این خصوص فرموده‌اند: «در مورد وضع آینده انقلاب اسلامی خودمان یکی از اساسی‌ترین مسائل، همین مسئله عدالت اجتماعی است انقلاب اسلامی ما اگر می‌خواهد با موفقیت به راه خود ادامه دهد، راهی جز بسط روش‌های عدالت‌جویانه و عدالت‌خواهانه در پیش ندارد» (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۱۴۹، ص ۱۵۴ و ۱۵۵).

۳. رابطه همبستگی دینی-اجتماعی در ایجاد/ گسترش عدالت اجتماعی

هنگامی که انسان‌ها طبق قوه محرکه مودت در کنار هم قرار گرفتند، از آنجایی که مودت در دینداری اثرگذاری دارد، بین آنان همبستگی اجتماعی در سایه الفت و دینداری ایجاد می‌شود و همبستگی آنان تنها وحدت صِرف نبوده، بلکه دینی است و رنگ و بوی الهی دارد. بنابراین، مقصود ما از همبستگی دینی-اجتماعی این بوده که این وحدت همه‌گیر بین اجتماع بوده و از دین سرچشمه گرفته است.

وحدت و همبستگی از مسائلی است که در شکل‌گیری و اعتلای تمدن‌های پایدار، نقش‌آفرین است. از همان ابتدا پیامبران الهی در صدد ایجاد اتحاد و یکپارچگی میان امت خود در پرتو توحیدگرایی بودند و همت و تلاش فراوانی در این مسیر داشتند؛ زیرا تمدن-سازی برای یک امت به مثابه آوردن امت ذیل یک پرچم است؛ چه بسا عدم اتحاد، پایه‌های اعتقادات و زیربنای حکومت را متزلزل می‌کند و وجود آن باعث تعالی و شکوفایی جامعه می‌شود. معیار تمدن در قرآن، وجود فرهنگ دینی در جامعه است. قرآن هر توسعه و تکامل در امور مادی و علمی را تمدن نمی‌داند؛ بلکه اجتماعی که در مسیر هدف‌های الهی باشد را متمدن می‌خواند (نازعات/۳۷، یونس/۸۸). در نتیجه، آن تمدنی بادوام‌تر است که مسیر حرکت اجتماعی و فردی آن با برنامه انبیای الهی همسو باشد و برنامه انبیای الهی این بود که مبنای پیشرفت را تعالی و رشد بینش و فرهنگ انسان‌ها قرار دهند، نه اینکه پیشرفت تنها در عرصه علم و صنعت باشد. البته، نکته قابل توجهی هم وجود دارد، بدین صورت که برنامه انبیا لازم است، ولی برای کاربست و تحقق آن در متن جامعه، لازم است انسان‌ها بدانند که اگر به صورت کل واحد درآیند و هدفی مشترک را در پی بگیرند، آن وقت است که پیشرفت در حد عالی آن رخ می‌دهد. دین از همه مسلمانان می‌خواهد که بر محور باورهای الهی و قرآنی همبستگی خود را حفظ کنند، که این همبستگی و الفت، مایه رشد و پیشرفت معنوی فرد و اجتماع می‌شود. این گونه همبستگی چون برای رضای الهی است، چنان رشد و پیشرفت معنوی می‌دهد که به بالاترین درجات بهشت دست یابند (یوسفی مقدم، ۱۴۰۰ق، شماره ۴، ص ۱۳۰).

همبستگی در اصطلاح علوم اسلامی بدین معناست که همه مسلمانان از هر ملت و مذهبی بر محور باورهای دینی و آرمان مشترک گرد هم آیند و برای رسیدن به خوشبختی

دنیا و آخرت و قرب الهی، با همدلی تلاش کرده و با زدودن موانع فراروی خود پشتکار به خرج داده، به گونه‌ای که هیچ‌یک از ناهمگونی‌ها و دیدگاه‌های فقهی، کلامی و تاریخی نتوانند خللی به آن وارد سازند (شهرکی فلاح، ۱۳۹۷، ص ۵۰).

همبستگی اجتماعی در مرحله اول، امری درونی و محصول محبت است، که به واسطه اشتراک و توافق در اندیشه‌ها و ارزش‌ها به وجود می‌آید. قوام هر جامعه‌ای به همبستگی اجتماعی مردم آن جامعه، وابسته است. جهان اسلام به مثابه یک جامعه واحد و «امت» است که فرهنگ و سرنوشتی مشترک دارد. بنابراین، باید همبستگی داشته باشد تا بتواند از باورها و ارزش‌های خود حفاظت و به اعتلای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مسلمانان کمک کند.

قرآن کریم تفرقه جامعه و شکل‌گیری گروه‌ها و فرقه‌ها را نتیجه دوری از دین و فرهنگ حاکم می‌داند (روم/۳۲). بر این اساس، اگر جهالت و ضلالت و به تعبیر قرآن، دوری از بینات (آل عمران/۱۰۵) در فضای عمومی جامعه اسلامی مستولی شود، خیر از شر و سعادت حقیقی از ضلالت به درستی تشخیص داده نمی‌شود و افراد جامعه به واسطه جهل و گمراهی، به عجز در تحقق حق و ابطال باطل، و مهلک‌ترین رذایل گرفتار می‌شوند؛ چنان‌که قرآن کریم هم ریشه همه گناهان و رذایل را در بی‌عقلی و جهالت می‌داند (یونس/۱۰۰). چنین افرادی از همبستگی و همراهی با جبهه حق بازمی‌مانند، بلکه گاه محبت‌شان به جبهه حق، گسسته می‌شود و در مقابل جبهه حق، موضع می‌گیرند. همواره حاکمان جور از این اختلاف‌افکنی و فرقه‌فرقه کردن افراد جامعه بیشترین بهره را برده‌اند (قصص/۴). از این رو، زمانی که غبار غفلت و جهالت بر جامعه مسلط شد و محبت و همبستگی اجتماعی را تهدید کرد، باید به بیدارسازی مردم و آگاهی‌بخشی عمومی پرداخت، آن گونه که انبیا و اولیای الهی همچون امام حسین (ع) عمل کردند (موسوی، ۱۳۹۵، ص ۵).

خداوند در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران می‌فرماید: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا...﴾. طبق نظر مفسران، منظور از «حَبْلِ اللَّهِ»، قرآن است که دستور به تمسک از آن داده شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۱۶۷؛

آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۳۹۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۷۱. اما تمسک به قرآن بدون تمسک به عترت امکان‌پذیر نیست؛ به همین دلیل، پیامبر خدا(ص) در حدیث ثقلین، قرآن و عترت را به عنوان دو امانت گرانها یاد کردند و آن دو را از یکدیگر جدایی ناپذیر دانستند و تمسک به آنها را مایه نجات خواندند (ابن حنبل، بی تا، ج ۴، ص ۳۶۷). امام رضا(ع) نقل می‌کند که پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «همانا من در میان شما دو چیز گرانها می‌گذارم، که یکی از آنها از دیگری بزرگ‌تر است؛ کتاب خداوند (قرآن) که ریسمان کشیده شده از آسمان به سوی زمین است و اهل بیت و عترتم. پس بنگرید که چگونه سفارش مرا در مورد آنها رعایت می‌کنید». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۳۶۹) تمسک به اهل بیت(ع) بدین معناست که ولایت و اطاعت از آنها را مفروض بدانیم و در عمل مان نمایان باشد. بنابراین، ولایت و امامت ائمه(ع) مصداق بارز «حَبْلِ اللَّهِ» است که اعتصام به آن مایه وحدت جامعه می‌شود. دین اسلام از مسلمانان خواسته است که همواره همبستگی خود را حفظ کرده و برای سعادت و کمال و قرب الهی با یکدیگر همدلی داشته باشند؛ این همدلی و همبستگی آثار ارزشمندی دارد و روی فرد و اجتماع تأثیر می‌گذارد. انسان‌ها در هر شرایطی، به ویژه شرایط دشوار و حساس، نیازمند راهنما و هدایت‌گر هستند تا در ورطه خطوات و گمراهی نیفتند؛ «حَبْلِ اللَّهِ» همان ریسمان محکمی است که علاوه بر راهنمایی، قابلیت حل همه مشکلات در هر زمانی را دارد. می‌توان این گونه بیان نمود که بهره‌مندی از «حَبْلِ اللَّهِ» شروطی دارد و در صورت قبول حق ولایت، حق اطاعت و حق مودّت و... می‌توان تاّم و تمام از این موهبت الهی بهره جست. یکی از نتایج این موهبت، عدالت است که در سایه مودّت به اهل بیت(ع) نمایان شده و آثار حداکثری دارد. عدالت همان گونه که گفته شد، از مهم‌ترین عوامل ایجاد همبستگی اجتماعی و تمدن‌سازی است، به طوری که همبستگی اجتماعی در سایه عدالت استمرار می‌یابد و سپس موجب پیوندی عمیق شده و تمدنی زیبا می‌سازد. بدیهی است در اجتماعی که عدالت برقرار باشد، روابط اجتماعی بین مردم و حاکمان مستحکم بوده و نمود بیشتری می‌یابد.

۴. پیوند مودّت به اهل‌بیت(ع) با همبستگی دینی-اجتماعی

با توجه به آثار مودّت به اهل‌بیت(ع) بر وحدت و همبستگی اجتماعی بر پایه دینی، در این بخش به تبیین این موضوع پرداخته و از مودّت به تقویت دینداری و سپس به استحکام همبستگی اجتماعی رسیده‌ایم.

طبق آیه ۲۳ سوره شوری، مودّت به اهل‌بیت(ع) به معنای دوست داشتن اهل‌بیت پیامبر(ص) است که بر اساس این آیه، مودّت به اهل‌بیت(ع) به‌عنوان اجر رسالت پیامبر(ص) معرفی شده است:

﴿ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ (شوری/۲۳)؛

این همان [پاداشی] است که خدا بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، [بدان] مژده داده است. بگو: «به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان»، و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد]، برای او در ثواب آن خواهیم افزود. قطعاً خدا آمرزنده و قدرشناس است.

یکی از ابعاد فطری انسان، علاقه و محبت است و هر انسانی برای خود محبویی دارد؛ هرچند محرّک و اهرم این محبت در انسان‌ها یکسان نیست. یکی از این محرّک‌ها احساس شایستگی و کمال در وجود محبوب است؛ همین‌که آدمی در کسی - هرچند به‌خطا- شایستگی و کمال می‌بیند، به او گرایش می‌یابد. اهل‌بیت(ع) طبق آیه تطهیر (احزاب/۳۳) مطهّرند، پس مصداق کامل شایستگی‌ها و کمالات واقعی‌اند و شایسته‌اند تا محبوب دل‌ها شوند. برای نمونه، این شایستگی در کلام امام حسن(ع) چنین بیان شده است:

«يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ، اتَّقُوا اللَّهَ فِينَا، فَإِنَّا أُمَرَاؤُكُمْ وَضِيْفَانُكُمْ، وَنَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» وَ إِنَّا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِي افْتَرَضَ اللَّهُ مَوَدَّتَهُمْ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ. فَقَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِنَبِيهِ: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً...»، فَاقْتَرَفُ الْحَسَنَةَ مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۷۲)؛ ای اهل عراق، درباره ما از خدا تقوا پیشه کنید، همانا ما رهبران و میهمانان شما هستیم. ما اهل بیتی هستیم که خداوند درباره آنان فرمود: «خداوند

می‌خواهد پلیدی را از شما ببرد و شما را کاملاً پاک گرداند» و باز ما از اهل‌بیتی هستیم که خدا دوستی آنان را بر هر مسلمانی واجب کرد و به پیامبرش فرمود: «بگو من از شما پاداشی نمی‌خواهم، جز دوستداری خویشاوندانم را و هر کس نیکی به دست آورد...»، پس کسب نیکی همان دوستی ما اهل‌بیت (ع) است.

شعار همه انبیا این بود که جز از پروردگارمان پاداشی نمی‌خواهیم. این آموزه در آیاتی از قرآن آمده است؛ مانند این آیه که درباره چند تن از انبیا به کار رفته است: ﴿وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجِرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (شعراء/۱۰۹)؛ و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم؛ اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست». هرچند یکی از امتیازهای ادیان الهی بر قوانین بشری، عنصر محبت و ارائه الگوی عملی است، به همین رو، هر کس صادقانه از انبیا پیروی کرد، به آنان عشق ورزید و در پرتو همین عشق و محبت، پیروی از انبیا را سرلوحه کار خود قرار داد و به کمال رسید؛ اما هیچ کدام از انبیا پاداش رسالت خود را «مودّت» نسبت به خاندان خود قرار ندادند، به‌جز پیامبر ما، که پاداش خود را با نام «مودّت» به خاندان خود مطرح کرده‌اند. این معنا در چندین روایت رسول اکرم (ص)، امام سجاد (ع)، صادقین (ع)، امام رضا (ع)، امام حسن عسکری (ع)، ابن عباس و برخی تابعین در مصادر متعدد شیعی و سنی نقل شده است. (رک: قمی مشهدی، ۱۴۱۱، ج ۱۱، ص ۵۰۰-۵۱۸؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۲۲۷-۲۶۲) برخی دانشمندان در این زمینه کتاب‌های مستقلی نوشته‌اند؛ مانند شهاب‌الدین خفاجی (۱۳۸۶) که کتاب «مودّت اهل‌بیت در آئینه وحی» را نگاشته است. حکمت این امر، آن است که انبیای دیگر آخرین پیامبر نبودند تا عترت‌شان عین دین، الگو و معصوم بوده، و رسالت‌شان را ادامه دهند؛ اما عترت پیامبر خاتم (ص)، ادامه‌دهنده رسالت او و معصوم هستند، و این، حکمت پاداش‌خواهی پیامبر خدا (ص) از زبان وحی است.

امام رضا (ع) درباره وجوب مودّت این گونه می‌فرمایند: «و لم یفرض الله مودّتهم الا و قد علّم أنّهم لا یرتدّون علی الدّین أبداً و لا یرجعّون إلى ضلالة أبداً» (حرّانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۳۱)؛ خداوند دوستی آنان [اهل‌بیت (ع)] را واجب نکرد، جز آنکه می‌دانست آنان هرگز از دین برنمی‌گردند و هرگز به گمراهی نمی‌روند.

عالمان و محققان بر وجوب مودّت به اهل‌بیت (ع) تأکید دارند. برخی محققان مودّت

را از حقوق اهل‌بیت(ع) بر مسلمانان (بشوی، ۱۴۳۴، ص ۱۰۳) و عامل مناسبی برای وحدت مسلمان‌ها بیان کرده‌اند. (تسخیری، ۱۳۸۸، ص ۹۲) برخی از عالمان شیعه، وجوب محبت اهل‌بیت(ع) را مورد اتفاق مسلمانان (به‌جز ناصبی‌ها) شمرده‌اند. (مظفر، ۱۳۸۷ش، ص ۷۲؛ موسوی زنجانی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۸۱؛ تیجانی، ۱۴۲۷، ص ۲۳۷) فخر رازی از مفسران اهل سنت، با این استدلال که پیامبر(ص)، علی(ع)، فاطمه(س)، حسن و حسین(ع) را دوست می‌داشت و پیروی کردن از پیامبر(ص) بر همه امت اسلامی واجب است، محبت اهل‌بیت(ع) را واجب می‌داند. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۵۹۵)

بر اساس روایتی که شیعیان و اهل سنت از پیامبر(ص) نقل کرده‌اند، محبت اهل‌بیت(ع) اساس اسلام است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۶؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۶۴؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۳، ص ۲۴۱) در روایتی امام صادق(ع) می‌فرماید: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْإِسْلَامُ غُرْبَانٌ فَلِبَاسُهُ الْحَيَاءُ وَ زِينَتُهُ الْوَقَارُ وَ مُزَوَّنَتُهُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَ عِمَادُهُ الْوَرَعُ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۶)؛ رسول خدا(ص) فرمودند: اسلام عریان است و لباس آن، حیاء و زینت آن، آرامش و مروّت آن، عمل شایسته است و ستون آن، ورع و هر چیزی اساس و پایه‌ای دارد که پایه و اساس اسلام، محبت ما اهل‌بیت(ع) است.

بنابراین، می‌توان گفت وجه مشترک همه مسلمانان عالم، اعم از امامیه و عامه در طول تاریخ، محبت به اهل‌بیت(ع) بوده است و این گزاره، ویژه گروه یا مذهب ویژه‌ای در اسلام نیست. لذا یکی از سازه‌های وحدت‌بخش، مودّت مسلمانان نسبت به اهل‌بیت(ع) است که می‌توان بر این مبنا میان مسلمانان عالم، اجتماعی ایجاد کرد و محوری برای همبستگی در میان آنان تشکیل داد. در همین زمینه، حضرت فاطمه زهرا(س) در جمله‌ای زیبا این نکته را چنین بیان فرموده است: «جَعَلَ اللَّهُ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمَلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفُرْقَةِ» (طبرسی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۹۷)؛ خدای متعال اطاعت ما اهل‌بیت پیامبر(ص) را وسیله نظم و انسجام جامعه، و امامت ما را مایه در امان ماندن از تفرقه و تشتت جامعه قرار داده است» و امام باقر(ع) نیز دوستی اهل‌بیت(ع) را مایه نظام و یکپارچگی دین معرفی می‌فرماید: «... حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ نِظَامُ الدِّينِ ...» (طوسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۹۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۱۸۳).

یکی از آثار مودّت به اهل بیت (ع) و همبستگی اجتماعی را می‌توان به خوبی در «همایش جهانی پیاده‌روی اربعین حسینی» دید که کاملاً خودجوش و مردمی شکل گرفته و امروزه به اجتماع بزرگی تبدیل شده است. این تجمع که برآمده از محبت به امام حسین (ع) و ارزش‌های فطری است، در واقع، تولیدکننده وحدتی بی‌نظیر در جهان اسلام است؛ وحدتی که می‌تواند گره بسیاری از مسائل را در جهان اسلام بگشاید. امام خمینی (ره) پس از بیان فلسفه بزرگداشت قیام و شهادت امام حسین (ع) و لعن و نفرین دشمنان آن حضرت و پیروان ظالم آن‌ها در این عصر، می‌نویسد: «همه باید بدانیم که آنچه موجب وحدت بین مسلمین است، این مراسم سیاسی است که حافظ ملیت مسلمین، به‌ویژه شیعیان ائمه اثنی عشر (ع) است (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱، ص ۴۰۰).

مراسم اربعین فرصت بزرگی است که اگر به درستی مدیریت شود، می‌تواند در ایجاد وحدت و وفاق اجتماعی مؤثر باشد. در حقیقت، مراسم اربعین همچون نهضت عاشورا، متعلق به تشیع نیست و هیچ‌گاه فراموش نخواهد شد؛ بلکه متعلق به همه آزادی‌خواهان و ظلم‌ستیزان و عدالت‌طلبان عالم است و می‌تواند میعادگاه همه انسان‌هایی باشد که با محبت فطری و معرفت‌رهایی‌بخش، به دنبال تمرین ایثار و عدالت‌طلبی‌اند. (موسوی، ۱۳۹۵، ص ۲) همان‌گونه پیامبر اسلام (ص) در این باره فرموده‌اند: «إِنَّ لِقَاتِ الْحُسَيْنِ خِرَازَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۳۱۸)؛ برای شهادت امام حسین (ع) در قلوب مؤمنان حرارتی است که هرگز سرد نخواهد شد.

۵. از مودّت تا اطاعت

عالمان معتقدند فلسفه وجوب مودّت به اهل بیت (ع)، اطاعت از آن‌ها بوده است. (نک: علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۲۴۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار طلاب و اساتید حوزه‌های علمیه، ۱۳۸۸/۹/۲۲؛ محدثی، ۱۳۸۷، ص ۱۱) مودّت مورد درخواست پیامبر (ص) از سنخ دوستی و محبت عادی به خویشاوندان ایشان نیست؛ بلکه بر پایه نص صریح قرآن کریم، پیوندی مستقیم و استوار میان محبت و دوستی با فرمانبرداری و تبعیت است: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...﴾ (آل عمران/۳۱). از سویی، آیه‌ای دیگر تبعیت و پیروی را در فرمانبرداری از دستورات الهی و بیانات پیامبر (ص) تفسیر می‌کند: ﴿... فَاتَّبِعُونِي وَ

أَطِيعُوا أَمْرِي ﴿طه/۹۰﴾. در جای دیگر، فرمانبرداری از خدا، رسول(ص) و ائمه(ع) قرین یکدیگر یاد می‌شوند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...﴾ (نساء/۵۹). پس، مودّت و محبت به ذوات مقدّسه اگر به فرمانبرداری و گردن نهادن به امامت آنان نینجامد، امری ناقص و ابتر است. به‌راستی، بر اساس سیره عقلای می‌بایست میان اجر و آنچه سبب تقاضای چنین اجری است، هماهنگی باشد؛ لذا اجر رسالت نبی(ص) نمی‌تواند تنها به دوستی اهل‌بیت او منحصر شود، بلکه آنچه هماهنگ با رسالت اوست، مودّت منجر به پذیرش ولایت و تبعیت محض از آنان است (امینی، ۱۴۰۱، شماره ۱۱، ص ۱۰).

فلسفه وجوب مودّت به اهل‌بیت(ع)، مرجعیت علمی آنان است، تا مسلمان‌ها به جهت محبت‌شان به اهل‌بیت(ع)، در مسائل علمی به آن‌ها مراجعه کنند؛ به همین دلیل، مودّت به اهل‌بیت(ع) ضامن بقای دین معرفی شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۴۶ و ۴۷) بی‌تردید، وجوب محبت و مودّت به اهل‌بیت(ع) به جهت قرب آن‌ها به خداوند و جایگاه و منزلت ایشان نزد خداوند، و به خاطر این است که ایشان از شرک و گناهان و از هر آنچه موجب دوری از خداوند شود، پاک و منزّه هستند (مظفر، ۱۳۸۷، ص ۷۳). این مودّت پشتوانه‌ای برای اطاعت از اهل‌بیت(ع) است که با ابراز مودّت، اعتقاد افراد به ولایت اهل‌بیت(ع) حفظ می‌شود (خامنه‌ای، «بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون»، در سایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای). محبت اهل‌بیت(ع) به دلیل رابطه خویشاوندی آنان با پیامبر(ص) واجب نشده، بلکه محبت آن‌ها به این دلیل لازم است که آن‌ها در اوج بندگی خدا قرار دارند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۹). همچنین، فلسفه وجوب این مودّت، اطاعت از اهل‌بیت(ع) است و مودّت حقیقی تنها با تبعیت از آنان حاصل می‌شود (ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۵، «درس امامت»). به هر اندازه که محبت بیشتر باشد، پیروی از آن‌ها هم بیشتر خواهد شد (محدثی، ۱۳۷۸، شماره ۲۹، ص ۱۱).

۶. نگاهی کوتاه به پیامدهای مودّت به اهل‌بیت(ع)

انسان موجودی کمال‌گرا، خواهان رستگاری دنیوی و اخروی و رسیدن به مقام قرب الهی است؛ از این رو، پیوسته ابزار رشد معنوی و کمال خود را می‌جوید. محبت به اهل‌بیت(ع)

همان ابزار رشد معنوی و کمال است. این محبت علاوه بر آثار دنیوی، آثار اخروی فراوانی نیز در پی دارد؛ البته مودّت به اهل بیت (ع) می‌بایست در عمل نیز بروز کند و گرنه پایه این مودّت، سست خواهد بود. در این زمینه روایات متعددی وجود دارد که آثار مودّت را بدین گونه شرح می‌دهند؛ از جمله آثار اخروی: شفاعت اهل بیت (ع)، روشنایی در روز قیامت، امان روز قیامت، استواری بر پل صراط، رهایی از آتش دوزخ، و محشور شدن با اهل بیت (ع)، و از جمله آثار دنیوی: آرامش دل، حکمت، کامل شدن دین، و خوشحالی هنگام مرگ اند (ر.ک: ری شهری، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۶۰۰).

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین وظایف اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، برقراری عدالت و نهادینه کردن آن در جامعه بوده است. مودّت به اهل بیت (ع) که موجب همبستگی اجتماعی بین مسلمانان است، زیر سایه عدالت، تقویت شده و استمرار می‌یابد.

با توجه به آیه ۲۳ سورة شوری، مودّت به اهل بیت (ع) توصیه شده؛ تا جایی که این مقوله آن قدر مهم بوده که پیامبر (ص) برخلاف دیگر انبیا، مزد رسالت درخواست کرده و این مورد را بیان فرموده است. طبق فرمایش امام رضا (ع)، آنان مانند انسان‌های دیگر دچار گمراهی و انحراف از مسیر درست نمی‌شوند، تنها آنان‌اند که سزاوار مودّت و محبت‌اند. برای فهم بهتر مردم در روایات متفاوت، علاوه بر سفارش به مودّت، ویژگی امامان مورد مودّت هم بیان شده است، تا مردم بدون تردید و با حصول یقین قلبی و عقلی این مودّت را درک کنند. اهمیت این موضوع بدان جهت است که آثار بسیار گسترده‌ای برای انسان به ارمغان می‌آورد. مودّت به اهل بیت (ع) موجبات همبستگی بین مردم را فراهم کرده و نیاز به تشکیل حکومت اسلامی نمایان می‌شود و اینچنین بستر عدالت‌آفرینی و نیاز مبرم به آن در جامعه شکل می‌گیرد. بنابراین، مودّتی که آثار آن همه‌جانبه باشد، در آخر به عدالتی همه‌جانبه تبدیل خواهد شد. «مودّت به اهل بیت (ع)» قطعاً برای مردم، سودمند بوده و درخواست پیامبر (ص) برای این مهربانی تنها از روی رحمت نسبت به مردم بوده است؛ یعنی فایده این مودّت کاملاً سرریز به سوی خودشان است. برای نمونه، همایش بزرگ اربعین حسینی از منظر همبستگی اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران از منظر عدالت

اجتماعی بیان شد و با وام‌گیری از این دو مقوله، سعی شد رابطه میان این مفاهیم و حلقه‌های اتصال آن‌ها بهتر بیان شود.

فهرست منابع

۱. قرآن مجید، (ترجمه محمد مهدی فولادوند).
۲. نهج البلاغه، (۱۴۱۴ق)، (گردآورنده: شریف رضی، ضبط: صبحی صالح)، قم: هجرت.
۳. آقابخشی، علی؛ افشاری‌راد، مینو. (۱۳۷۴ش). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۴. آلوسی، محمود. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵. ابن حنبل، احمد. (بی‌تا). مسند احمد. بیروت: دار صادر.
۶. ابن عساکر، ابوالقاسم. (۱۴۱۵ق). تاریخ دمشق. دمشق: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۷. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۸. اسحاقی، حسین. (۱۳۸۶ش). ارغان انقلاب: تلخیص نود و دو دستاورد انقلاب اسلامی ایران. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی.
۹. امینی، صدیقه. (۱۴۰۱ش). «هم‌سنجی ارزش اخلاقی اتحاد و الفت با مودت ذی‌القربی و تأثیر آن در رشد معنوی انسان از دیدگاه قرآن و حدیث». دوفصلنامه مطالعات فرهنگی و اجتماعی حوزه، (۱۱).
۱۰. انصاریان، حسین. (۱۳۹۳ش). تفسیر حکیم. قم: دار العرفان.
۱۱. باغستانی کوزه‌گر، محمد. (۱۳۹۵ش). کاربرد واژگان عدالت و تمدن و نسبت میان آن دو در قرآن. پژوهش‌های قرآنی، ۲۱(۸۱)، ۴-۲۹. <https://doi.org/10.22081/jqr.2017.44530.1243>
۱۲. بشوی، محمد یعقوب. (۱۴۳۴ق). حقوق اهل‌بیت(ع) در تفاسیر اهل سنت. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص).
۱۳. بلاغی، محمدجواد. (۱۴۲۰ق). آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. قم: بنیاد بعثت.
۱۴. بیات، عبدالرسول. (۱۳۸۶ش). فرهنگ واژه‌ها. قم: اندیشه و فرهنگ دینی.
۱۵. تسخیری، محمدعلی. (۱۳۸۸ش). وحدت اسلامی بر پایه مرجعیت علمی اهل‌بیت(ع). تهران: بنیاد اندیشه اسلامی.
۱۶. تیجانی سماوی، محمد. (۱۴۲۷ق). فاسئلوا اهل الذکر. بی‌جا: مؤسسه آل‌البیت(ع).
۱۷. حاکم نیشابوری، ابو عبد الله. (بی‌تا). المستدرک علی الصحیحین. بیروت: دار الکتب المعرفه.
۱۸. حر، سید حسین. (۱۳۸۶). «اراهکارهای قرآنی-روایی شدت‌یابی محبت اهل‌بیت(ع)»، مجله قرآنی کوثر، ش ۲۶.
۱۹. حرانی، حسن. (۱۴۰۴ش). تحف العقول، (تصحیح: علی‌اکبر غفاری). تهران: مؤسسه النشر الاسلامی.

۲۰. حسانى، عبيدالله. (۱۴۱۱ق). شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، (تحقيق: محمدباقر محمودى). قم: مجمع إحياء الثقافة الاسلاميه.
۲۱. خامنه‌ای، سيد علی. (۱۳۸۸). «بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون». دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای.
۲۲. خامنه‌ای، سيدعلی. بیانات در دیدار طلاب و اساتید حوزه‌های علمیه. ۱۳۸۸/۹/۲۲: KHAMENEI.IR.
۲۳. خفاجی حنفی، شهاب‌الدین. (۱۳۸۶ش). مودت اهل بیت در آئینه وحی، (ترجمه علی راد). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۴. خمینی، سيد روح‌الله. (۱۳۸۵ش). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
۲۵. راجی، سيد محمدحسین؛ خاتمی، سيد محمدرضا. (۱۳۹۷). صعود چهل ساله. مشهد: معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴ق). المفردات فی غریب القرآن. بی‌جا: دفتر نشر کتاب.
۲۷. ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۹۵). آرشیو «درس امامت» کتاب المراجعات. سایت مدرسه فقاها.
۲۸. زارعی رضایی، محمدحسین؛ هل اتایی، فاطمه‌سادات. (۱۳۹۸). «نقش مودت اهل بیت(ع) در تقویت دینداری مردم از نظر قرآن و سنت». اولین کنفرانس بین‌المللی دین، معنویت و کیفیت زندگی، مشهد: <https://civilica.com/doc/1131492>
۲۹. شهرکی فلاح، غلامرضا. (۱۳۹۷). «حوزه‌های وحدت. عوامل و راهکارهای ایجاد آن از منظر قرآن». فصلنامه مطالعات قرآنی، (۳۳).
۳۰. شیخ صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۱. طباطبایی، سيد محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: منشورات جماعة المدرسين.
۳۲. طبرسی، احمد بن محمد. (۱۳۸۱). الاحتجاج، (ترجمه بهراد جعفری). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). امالی، (تصحیح مؤسسة البعثة). قم: دار الثقافة.
۳۴. فخر رازی، محمد بن عمرو. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۵. قمی مشهدی، محمدرضا. (۱۴۱۱ق). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. تهران: مؤسسه الطبع و النشر لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۷. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. محدث نوری، حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت(ع).
۳۹. محدثی. جواد. (۱۳۸۷ش). راه‌های ایجاد محبت اهل بیت در نوجوانان و جوانان. فرهنگ کوثر، (۲۹).
۴۰. محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۹۶ش). اهل بیت(ع) در قرآن و حدیث، (ترجمه حمیدرضا شیخی و حمیدرضا آژیر). قم: دار الحدیث.

۴۱. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۱ش)، پنندهای امام صادق(ع) به ره جویان صادق، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
۴۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸ش). پیرامون انقلاب اسلامی. تهران: صدرا.
۴۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴ش). عدل الهی. تهران: صدرا.
۴۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸ش). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
۴۵. مظفر، محمدرضا. (۱۳۸۷ش). عقائد الامامیه. قم: انصاریان.
۴۶. موسوی زنجانی، ابراهیم. (۱۴۱۳ق). عقائد الامامیه الاثنی عشریه. بیروت: مؤسسة الأعلمی.
۴۷. موسوی، سیدمهدی. (۱۳۹۵ش). «اربعین حسینی، شکوه همبستگی اجتماعی امت اسلامی». ستاد مرکزی اربعین حسینی/ کمیته فرهنگی آموزشی. تابستان.
۴۸. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت. (۱۳۸۰ش). ویژگی‌های انقلاب اسلامی در آینه نگاه مقام معظم رهبری. تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
۴۹. یوسفی مقدم، محمدصادق. (۱۴۰۰ش). ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت بر اساس آیات قرآن با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (مدظله). حکومت اسلامی، ۲۶(۴)، ۱۲۷-۱۴۶.